

## سیر تحولات جایگاه زن با ورود وهابیت به نیجریه

بنتا آدم ابوبکر<sup>۱</sup>

### چکیده

از جمله امتیازات اسلام نسبت به سایر ادیان، احترام به زن است. مردم نیجریه، قبل از ورود اسلام نیز نگاه خوبی به زن داشتند. موضوع اصلی این نوشتار، موقعیت و جایگاه زنان نیجریه، هنگام ورود اسلام و وهابیت است. وهابیت از سال ۱۹۷۸ میلادی وارد نیجریه شد. به همین دلیل در نوع نگاه به زن و جایگاه ایشان در اجتماع تغییرات اساسی ایجاد کرد و بررسی سیر تحولات جایگاه زن در نیجریه با ورود وهابیت، مهم شد. این مقاله، ابتدا به جایگاه زن در اسلام پرداخته، سپس جایگاه زن در نیجریه، قبل از ورود اسلام، پس از ورود اسلام و پس از ورود وهابیت را با یکدیگر مقایسه کرده است. زنان در نیجریه، بعد از ورود اسلام جایگاه ویژه‌ای داشتند. بنابراین، با ورود وهابیت، جایگاه قبلی خود را از دست دادند. دلیل اصلی دیدگاه وهابیت، از فهم غلط نصوص دینی و اقوال بزرگان سرچشمه گرفته بود.

**واژگان کلیدی:** اسلام، نیجریه، وهابیت، جایگاه، زن، فرهنگ.

### ۱. مقدمه

نیجریه کشوری است در غرب آفریقا. این کشور، در غرب با بنین، در شرق با کشورهای چاد و کامرون، در شمال با کشور نیجرو در جنوب با دریای اطلس همسایه است. این کشور، سی و شش استان دارد. پایتخت آن، آبوجا است. این کشور، کشوری دموکراتیک و سکولاریسم است. اسلام در اواخر قرن اول، توسط مردی به نام عقبه بن نافع وارد نیجریه شد. (ادیلابو، ۱۹۹۵، ص ۱۲۵) از سال ۱۹۷۸، فرقه وهابیت توسط مردی به نام شیخ اسماعیل ادريس (۲۰۰۰-۱۹۳۷ م) (الکنوی، ۱۹۷۴، ص ۵) وارد نیجریه شد. نیجریه، بیشتر از پانصد و بیست زبان محلی دارد که معروفترین آنها هوسا، پوروبا و وایبو است. زبان رسمی نیجریه، انگلیسی است؛ زیرا سال‌ها مستعمره انگلیس بود. نیجریه، پرجمعیت‌ترین کشور آفریقا است و صد و هفتاد و هفت میلیون نفر جمعیت دارد. رنگ پرچمش سبز و سفید و سبز است که نشانه سرسبزی و کشاورزی و صلح است. واحد پول

۱. فارغ التحصیل کارشناسی تاریخ اسلام، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، از نیجریه.

نیجریه، نیرا است. این کشور از نظر منابع طبیعی، سیزدهمین صادرکننده نفت جهان و بزرگترین تولیدکننده نفت آفریقا است.

## ۲. نگاه کلی به جایگاه زن در اسلام

زن مانند ستون قوی در جامعه انسانی است. بنابراین، دین اسلام اهمیت ویژه‌ای به این موجود دارد. یکی از امتیازات اسلام نسبت به سایر ادیان، احترام به زن است. (پاینده، ۱۳۸۵، ص ۳۱۸) از شواهد این اهمیت، اختصاص برخی از آیات قرآن و روایات پیامبر اسلام ﷺ و اهل بیت علیهم السلام درباره اهمیت جایگاه زن در جامعه است.

### ۱-۲. حضور سیاسی زنان

#### ۱-۱-۲. بیعت

خداوند در قرآن، درباره بیعت زنان با پیامبر ﷺ می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُسْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَعْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ.

ای پیامبر، چون زنان باایمان نزد تو آیند که [با این شرط] با تو بیعت کنند که چیزی را با خدا شریک نسازند و دزدی نکنند و زنا نکنند و فرزندان خود را نکشند و بچه‌های حرامزاده پیش دست و پای خود را با بهتان [و حيله] به شوهر نیندند و در [کار] نیک از تو نافرمانی نکنند، با آنان بیعت کن و از خدا برای آنان آمرزش بخواه؛ زیرا خداوند آمرزنده مهربان است. (ممتحنه: ۱۲)

این آیه، به مسئله بیعت با حکومت، یعنی بارزترین مظهر عمل سیاسی اشاره کرده و با بیان حکم بیعت زنان مؤمن با رسول خدا ﷺ، شروطی را برای آنان تعیین می‌کند. برخی از این شروط میان زنان و مردان مشترک است مانند شرک نوزیدن و نافرمانی نکردن از رسول خدا ﷺ در کارهای نیک و برخی از شروط بیشتر به زنان مربوط است مانند دوری کردن از سرقت، زنا، کشتن اولاد و فرزندان دیگران را به شوهر نسبت دادن. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۹/۴۱۱) در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «وقتی رسول خدا ﷺ مکه را فتح کرد، با مردان بیعت کردند، سپس زن‌ها آمدند که با حضرت ﷺ بیعت کنند. خداوند این آیه را نازل کرد (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۱/۱۳۴). بیعت پیامبر با زنان نشان می‌دهد که برخلاف ادعای مخالفان اسلام که می‌گویند اسلام برای زنان ارزشی قائل نشده، آنها را جزء مهمترین مسائل، از جمله مسئله بیعت به حساب آورده

است. آنان نیز در این امر مهم شرکت کرده و شرایط مربوط به آن را پذیرفته‌اند (سایت تبیان).

## ۲-۱-۲. هجرت

از دیگر مسائلی که حضور سیاسی زنان در اجتماع صدر اسلام را نشان می‌دهد، شرکت زنان در نهضت‌های بزرگ اجتماعی و سیاسی مانند هجرت است. مهاجرت در صدر اسلام، برای گسترش پایگاه‌های اسلام و حفظ دین، بسیار اهمیت داشته و در این امر، بین زن و مرد هیچ تفاوتی نبوده است. پیامبر ﷺ، هم از زنان و هم از مردان می‌خواستند که هجرت کنند.

آیات متعددی در قرآن، از مهاجرت زنان مسلمان سخن گفته مانند:

إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا، إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانَ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا.

درواقع کسانی که فرشتگان جان‌های ایشان را به طور کامل گرفتند در حالی که به خویشتن ستمکار بودند، (فرشتگان به آنان) گفتند در چه (حالی) بودید (در پاسخ) گفتند، ما در زمین مستضعف بودیم. (فرشتگان) گفتند آیا زمین خدا، وسیع نبود تا در آن مهاجرت کنید؟ پس آنان مقصدشان جهنم است و بدفرجامی است. مگر مستضعفانی از مردان و زنان و کودکان که توان چاره‌جویی ندارند و به هیچ راهی رهنمون نمی‌شوند. (نساء: ۹۷ - ۹۸)

این آیه نیز به موضوع هجرت می‌پردازد که از حرکت‌های اجتماعی و سیاسی است. در هجرت مسلمانان به حبشه و مدینه، زنان نیز همپای مردان حضور داشتند. یکی از زنانی که در مهاجرت به مدینه شرکت داشت، اسماء همسر زبیر است که می‌گوید: «در این مهاجرت، فرزندم عبدالله را حامله بودم و در قبا، وضع حمل کردم».

در مجمع‌البحرین نیز روایت شده است که:

پیامبر ﷺ زنان مهاجر را سوگند می‌داد که بگویند به خدا سوگند، من از خشم شوهرم و یا از روی علاقه به این آب و خاک و یا برای تحصیل دنیا، وطن را ترک نکرده‌ام، من نیامدم مگر به خاطر خدا و پیامبر او. (طریحی، ۱۳۷۵، ص ۴۳ و ۴۰۷)

## ۲-۲. استقلال اقتصادی زنان

اسلام به زن، استقلال اقتصادی بخشیده تا مانند مردان، از حق مالکیت و تصرف در اموال خود، بدون نظارت و قیمومیت کسی، بهره‌بردار و با اختیار خویش، ثروتش را در راهی که نیاز می‌داند، صرف کند. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا

اَكْتَسَبْنَ؛ برای مردان از آنچه کسب کرده‌اند، بهره‌ای است و برای زنان (نیز) از آنچه کسب کرده‌اند بهره‌ای است» (نساء: ۳۲).

این آیه، کسب و تلاش اقتصادی و مالکیت مردان و زنان را که از مصادیق مشارکت اجتماعی است، تأیید می‌کند و این تصور غلط را که مالکیت و کسب و تلاش اقتصادی منحصر به مردان است، از بین می‌برد. یکی از وجوهی که مجمع‌البیان برای آیه ذکر می‌کند، این است که هرکدام از زنان و مردان را از تجارت، زراعت و سایر کسب‌های خود نصیبی است. بنابراین، باید قانع بوده و از قسمت و بهره خداوند راضی باشند. (طبرسی، ۱۴۲۷، ۵/۲۶)

### ۲-۳. حضور زن در صحنه کار و اجتماع

درباره حضور زن در صحنه کار و اجتماع، قرآن کریم در سوره قصص آیات ۲۳ تا ۲۶، از دختران شعیب در حال انجام فعالیت اقتصادی - اجتماعی یاد می‌کند و شرم و حیای آنها را در حین عمل و کار بیان کرده و می‌فرماید:

و چون به آب مدین رسید، گروهی از مردم را بر آن یافت که دام‌های خود را آب می‌دادند و پشت سرشان دو زن را یافت که گوسفندان خود را دور می‌کردند. موسی گفت منظورتان از این کار چیست؟ گفتند ما به گوسفندان خود آب نمی‌دهیم تا شبانان همگی گوسفندانشان را برگردانند و پدر ما پیری سالخورده است. پس برای آن دو، گوسفندان را آب داد، آنگاه به سوی سایه برگشت و گفت پروردگارا من به هر خیری که سویم بفرستی سخت نیازمندم. پس یکی از آن دو زن در حالی که به آزم گام برمی‌داشت نزد وی آمد [و] گفت پدرم تو را می‌طلبد تا تو را به پاداش آب دادن [گوسفندان] برای ما مزد دهد و چون [موسی] نزد او آمد و سرگذشت [خود] را بر او حکایت کرد [وی] گفت مترس که از گروه ستمگران نجات یافتی. یکی از آن دو دختر گفت ای پدر او را استخدام کن؛ زیرا بهترین کسی است که استخدام می‌کنی؛ هم نیرومند و هم در خور اعتماد است. (قصص: ۲۳ - ۲۶)

این آیات به برخی از فعالیت‌ها و رفتارهای اجتماعی زنان اشاره دارد؛ زیرا رفتن به بیابان، شبانی و چوپانی، آب دادن به گوسفندان در کنار مردان و سخن گفتن با موسی (مرد بیگانه) جایز دانسته شده و دختران شعیب، با رعایت عفت و حجاب، این اعمال و رفتار را انجام می‌دادند و از اختلاط با مردان جلوگیری می‌کردند، حتی زمانی که به سوی موسی رفتند، با شرم و حیا راه می‌رفتند. (طبرسی، ۱۴۲۷، ۵/۲۶)

### ۲-۴. امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه فردی و اجتماعی زنان

خداوند در قرآن می‌فرماید:

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ

وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ.

و مردان و زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده و می دارند و از کارهای ناپسند باز می دارند و نماز را برپا می کنند و زکات می دهند و از خدا و پیامبرش فرمان می برند. آنانند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد که خدا توانا و حکیم است. (توبه: ۷۱)

یکی از فعالیت های اجتماعی، امر به معروف و نهی از منکر است که در این آیه، هر مرد و زنی وظیفه دارد آن را انجام دهد. علامه طباطبایی می فرماید:

این آیه، حال عامه مؤمنان را بیان می کند و می فرماید مردان و زنان با ایمان، اولیای یکدیگرند، تا منافقان بدانند، نقطه مقابل ایشان، مؤمنان هستند و برای همین، بعضی از ایشان، امور بعضی دیگر را به عهده می گیرند، و هر کدام دیگری را امر به معروف و نهی از منکر می کند. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۹/۴۵۵)

### ۳. جایگاه زن در نیجریه

در این بخش به بررسی جایگاه زن در نیجریه قبل از ورود اسلام، بعد از ورود اسلام و تغییر نگرش به زن و جایگاه او با ورود وهابیت اشاره می شود.

#### ۳-۱. جایگاه زن قبل از ورود اسلام

مردم نیجریه حتی قبل از ورود اسلام به آن کشور، به زن احترام می گذاشتند. احترام و نگاه خوب به زنان در نیجریه، به شکل زیر است:

- اول اینکه کارهای سخت مثل کشاورزی و بردن حیوانات برای چرا، مخصوص مردان، و پختن غذا و خانه داری مخصوص زنان است. (سارو ویوا، ۱۹۸۲، ص ۹۸)

- دوم اینکه دختر در آن زمان، حق انتخاب همسر برای خود نداشت بلکه پدر، برای دخترش، همسر انتخاب می کرد، اما پدران آن زمان بسیار دقت می کردند تا برای دختران خود مردان مناسب برگزینند. در آن زمان، اگر کسی برای خواستگاری بیاید، پدر جواب نمی دهد تا اینکه با بزرگان منطقه مشورت کند که اگر مورد مناسب بود قبول، اما اگر مناسب ندانند رد کند. (سارو ویوا، ۱۹۸۲، ص ۹۸)

زن بعد از ازدواج، تحت مراقبت پدر است. نقل شده که مادر، طبق فرهنگ آن سرزمین نمی تواند به خانه دخترش برود؛ زیرا این کار را زشت می دانند. اگر دختر زایمان کند، برای مداراشکالی ندارد برای دیدن نوه به خانه دخترش برود، اما پدر حداقل هر ماه یکبار به خانه

دختر سر می زند، حتی اگر او را ندیده، از شوهرش می پرسد و هنگامی که بین زن و شوهر مشکل پیش بیاید، بزرگان همسایه دختر سعی می کنند بین آنها صلح برقرار کنند. اگر نشد، به پدر دختر می گویند و او سعی می کند میاننداری کند و اگر مشکل با این روش حل نشد، قضیه را با پدر شوهر دختر در میان می گذارند و مرحله نهایی، بردن قضیه پیش پادشاه است. (رک.، محمد منصور، ۱۹۹۱) این موارد نشان می دهد که زن، قبل از ورود اسلام به نیجریه، محترم بوده است.

### ۳-۲. زن، بعد از ورود اسلام

بدون شک، دین اسلام برای زن، دین آزادی است. بنابراین، ظهور اسلام در سرزمین نیجریه نه تنها باعث از بین بردن آزادی نشد، بلکه ارزش زن را بالاتر برد؛ زیرا ورود اسلام در نیجریه بسیار مورد استقبال مردم به خصوص زنان بوده؛ زیرا اسلام، به آزادی زنان اهمیت می دهد و زنان، به آزادی در امور زندگی نیاز دارند. اسلام در نیجریه، بر امور زنان اصلاحاتی ایجاد کرده که برای آنها، امری خوشایند است. بعضی از این اصلاحات عبارتند از:

- در رابطه با امور ازدواج، اسلام به دختران حق انتخاب داده است. در روایات مختلفی درباره ازدواج حضرت زهرا علیها السلام آمده است هنگامی که حضرت علی علیه السلام برای خواستگاری حضرت زهرا علیها السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند، پیامبر صلی الله علیه و آله به ایشان فرمود: «ای علی، قبل از شما چند نفر آمده اند، اما فاطمه بی میلی کرده، پس صبر کن تا من نزد او بروم و برگردم». وقتی که از حضرت زهرا علیها السلام اجازه گرفت، حضرت فاطمه علیها السلام سکوت کرد و صورتش را برگرداند، و پیامبر کراهتی در چهره اش ندید، پس برخاست در حالی که می گفت الله اکبر، سکوت او نشانه رضایت اوست. (طوسی، ۱۴۱۴، ۴۴/۳۶)

این نشان می دهد پیامبر صلی الله علیه و آله از حضرت فاطمه علیها السلام، قبل از اینکه به امام علیه السلام جواب بدهند، اجازه گرفتند. زن در نیجریه، قبل از ورود اسلام، حق انتخاب همسر نداشت. انتخاب برای زن در نیجریه، یکی از امتیازات اسلام برای زن است. مهمترین است که ورود اسلام، باعث توجه خانم های با تجربه شده که وجودشان در میان مردم پرفائده و کارهایشان قابل ستایش است؛ زیرا به دختران تازه ازدواج کرده، در حل مشکلات زندگی کمک می کردند تا بتوانند خانم های خوب و مادران شایسته شوند. اسلام، آنها را تشویق کرده و آنها را به یاد گرفتن درس های اسلام توصیه کرد تا بتوانند کارشان را به خوبی و طبق احکام اسلام و دور از خرافات انجام دهند. در قرآن کریم می فرماید: «و قل رب زدنی علما؛ پروردگارا بر علم من بیفزا» (طه: ۱۱۴)؛ «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ؛ بگو ای رسول، آنانکه اهل علم و دانش هستند، با مردم نادان

و جاهل یکسانند؟» (زمر: ۹)؛ «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ؛ و از میان اصناف بندگان، تنها مردمان عالم و دانا مطیع و خدا ترسند» (فاطر: ۲۸)؛ «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ؛ خداوند، مقام اهل ایمان و دانشمندان عالم را در دو جهان، رفیع می‌گرداند» (مجادله: ۱۱) و آیاتی از این نوع، که عموم مردم را برای یادگیری تشویق می‌کند.

روایاتی که از فضیلت علم سخن می‌گوید مانند «هر که طلب علم کند، خدا راهی را به بهشت برای او باز می‌کند». (النیشابوری، بی تا، ح ۴۹۹۶) و «طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمه؛ طلب دانش، برای هر فرد مسلم مرد و زن واجب است» (بخاری، بی تا، ح ۷۸). قبل از آمدن اسلام، فقط خانم‌های کهنسال و باتجربه می‌توانستند به خانه‌های دختران و زنان بروند و مشکلات آنها را با تجربه‌های خود حل کنند. با آمدن اسلام، مردم خواستند آن راه ادامه یابد. سنگینی ذهن خانم‌های کهنسال و عدم سرعت یادگیری، که باعث مشکلات در فهم درس بود، سبب شد که هر زن بتواند از شوهرش اجازه بگیرد تا خودش به فراگیری علم بپردازد و به دیگران هم تعلیم دهد. اسلام، تعلیم و تعلم را برای همه مردم از زن و مرد و پیر و جوان آزاد کرد. تاریخ اسلام در نیجریه، کارهای بعضی از بانوان فرهیخته را نیز فراموش نمی‌کند. مانند سکینه الو بیوه که به دلیل آزادی که اسلام به نیجریه آورده، توانست درس‌های قرآن، احادیث و تاریخ را بخواند و برای همین، اولین معلم زن در جمع زنان شناخته شد (سارو ویوا، ۱۹۸۲، ص ۲۰۶).

خدیجه بللو، دومین فرد از این دسته است. ایشان مسیحی بود که با دیدن آزادی اسلام نسبت به زنان، مسلمان شد. برای همین، همسرش او را طلاق داد. ایشان، با کمک کاروان مسلمانان، به مصر می‌رود و تعالیم اسلام را فرا می‌گیرد و حافظ کل قرآن می‌شود. بعد از مدتی، از مصر به نیجریه برمی‌گردد و به تدریس تعالیم و آموزه‌های اسلامی می‌پردازد. ایشان، اولین فردی است که مدرسه تعلیم زنان را افتتاح کرد و کتاب‌های روش زندگی متأهلان و تربیت کودکان از دیدگاه اسلام با زبان عربی و پنج زبان دیگر نیجریه‌ای نوشت که هنوز این کتاب‌ها استفاده می‌شود. (سارو ویوا، ۱۹۸۲، ص ۲۰۶)

### ۳-۳. جایگاه زن پس از ورود وهابیت

در سال ۱۹۷۸، گروهی به نام از بین بردن بدعت و به پا کردن سنت، که یکی از شاخه‌های فرقه وهابیت است، با رهبری فردی به نام شیخ اسماعیل ادریس، متولد سال ۱۹۳۷ به تبلیغ فرقه جدید پرداخت. مسلمانان نیجریه در آن زمان، پیروان مذهبی مالکی و طریقه صوفی‌گری به نام تیجانیه بودند. این فرقه، مورد پسند مسلمانان نیجریه واقع نشد، اما در سال ۱۹۷۸، شیخ

اسماعیل ادریس، به حج می‌رود و وقتی که از حج برمی‌گردد، روش تبلیغ خود را با فرستادن جوانان به کشورهای عربستان، انگلستان و آمریکا تغییر می‌دهد. او با این روش توانست توجه بسیاری از جوانان را جلب کند، حتی جوانان مسیحی به دلیل این مسئله، وهابیت را پسندیدند. دعوت وهابیت در نیجریه، در حدود سال ۱۹۹۲ شروع شد. با حمایت دولت عربستان، که کمک مالی فراوانی به آنها می‌کرد، و از طرفی در حل مشکلاتی که دولت نتوانسته بود برای مردم کاری انجام دهد نیز به دولت کمک کرد.

از سال ۱۹۹۳، نام این گروه در نیجریه روشن شد و کم‌کم گسترش پیدا کرد و حزب‌های زیادی به وجود آمد، به طوری که هراستان، حزب خاص خود را داشت. در سال ۲۰۰۰ میلادی، شیخ اسماعیل ادریس از دنیا رفت و شیخ محمود ابوبکر گومی جایش را گرفت. (صوفی، ۱۹۹۵، ص ۲۲) از معروف‌ترین مشکلات شوم رواج تفکر متحجروهبابیت در کشورهای منطقه، ظلمی است که به زنان و دختران می‌شود. نمونه‌های بارز، نگاه تحقیرآمیز و دور از شأن و جایگاه انسانی است. این امر می‌تواند در احکام جعلی و فتوای غیرعقلانی آنها به روشنی دید:

- خلوت کردن یا تنها بودن دختر و پدرش حرام است؛ چون احتمال دسیسه شیطان وجود دارد.
- برداشتن ابرو و کوتاه کردن مو برای زن، حرام است.
- مردان می‌توانند زنان خود را از راه پیامک و یا موبایل طلاق دهند.
- رانندگی برای زن، حرام است.
- حکم زنی که گوشی شوهرش را برای تجسس نگاه کند، شلاق و زندانی است.
- زنان، حق شرکت در تشییع جنازه را ندارند و اگر شرکت کنند، کار حرام انجام داده و محاکمه می‌شوند.
- دختر، حق انتخاب همسر ندارد و پدر می‌تواند به هرکس که دلش می‌خواهد، دختر بدهد.
- مهریه زن، باید کم باشد و زیاد بودن مهریه باعث باطل شدن ازدواج می‌شود.
- زن، محضر شیطان است.
- شکایت زن از شوهرش، حرام است.
- جشن عروسی بدعت است، پس بهترین ازدواج همان ازدواجی است که فقط آقایان حضور دارند و بعد از عقد، عروس را به خانه‌اش برسانند. (ر.ک.، www.bnbaz.islamic.fatma.com)

فتواهایی که وهابیت به نیجریه آورد، باعث تضعیف جایگاه زن در آن کشور شد. با آمدن وهابیت به نیجریه، طلاق میان مسلمانان راحت شد، تا اندازه‌ای که بسیاری از زنان مسیحی، اسلام را نمی‌پذیرفتند؛ زیرا به نظر آنها، طلاق، جزء اسلام است. این امر سبب شد که مسیحیان،



اسلام را به سخره بگیرند. در حال حاضر، در هر جا که وهابیت ظهور کند، مشکلاتی را به همراه می آورد. یکی از مشکلاتی که وجود وهابیت به نیجریه آورد، استفاده ابزاری از زنان بود. وهابیت، با غارت‌گری و هجوم و از بین بردن وسایل، املاک عمومی و خانه‌های مردم همراه است. زنان، به خصوص دختران نوجوان و جوان را بعد از کشتن والدین آنها، برای غنیمت جنگی برده و می فروشند و با آنها رابطه جنسی برقرار می کنند. بوکوحرام، گروهی تروریستی است که خود را پیرو فرقه وهابیت معرفی کرده است. جایگاهی که اسلام به زن داده، وهابیت آن را از او گرفته؛ زیرا بوکوحرام، با هجوم به خانه‌های مردم، اعم از مسلمان و غیر مسلمان، دخترانشان را به عنوان غنیمت جنگی می برد. این گروهک تروریستی، در شب چهاردهم و پانزدهم ماه آپریل ۲۰۱۴ م، دویست و هفتاد و هفت دختر نوجوان و طلبه در یک مدرسه دولتی در استان برنوارا ربودند. بعد از چند ماه، پنجاه و هفت تن از این دختران، از دست آنها فرار کردند. وهابیت متمثل در بوکوحرام در نیجریه، نه فقط آبروی اسلام را برده، بلکه جایگاه زنان را پایمال کرده است.

#### ۴. مقایسه جایگاه‌های مختلف زن در نیجریه با ورود اسلام و ظهور وهابیت

##### ۱-۴. جایگاه خانوادگی

همان طور که در بحث جایگاه زن در نیجریه با ورود اسلام مطرح شد، روشن می شود که اسلام، حق انتخاب همسر را به دختر داده، ولی وهابیت، این حق را از دختر گرفته است. اسلام، کم بودن مهریه را مستحب می داند. وهابیت زیاد بودن مهریه را باعث باطل شدن ازدواج می داند.

##### ۲-۴. جایگاه اجتماعی

اسلام، زن را به یادگیری علوم اسلامی و انسانی، تشویق کرده است، اما وهابیت، یادگیری زنان را محدود کرد. در نتیجه، زنان فقط می توانند تا مقطع دبیرستان به مدرسه بروند. این امر، به دلیل اختلاط زن و مرد در مراحل بالاتر است: «لاتقربوا الزنا انه کان فاحشة و ساء سببلا؛ و نزدیک زنا نشوید، که کار بسیار زشت و بد راهی است» (اسراء: ۳۲).

پیامبر ﷺ می فرماید: «زن مسافرت نکند مگر اینکه محرم همراهش باشد». مردی گفت: ای رسول خدا می خواهم با فلان ارتش به بیرون روم و زنم می خواهد به حج برود. پیامبر گفت: «همراه او برو». (بخاری، بی تا، ح ۱۷۶۳) از پیامدهای این امر در نیجریه می توان به موارد ذیل اشاره کرد: اول اینکه در وظایف دولتی، تعداد زنان مسلمان کم است؛ زیرا رتبه‌های درسی آنها پایین است. بنابراین، وقتی که این زنان از شوهرشان به هر دلیلی (فوت کردن یا طلاق دادن) جدا

شوند، بسیاری از آنها ولگرد می‌شوند و این امر، باعث رواج زنا و همجنس‌بازی در جامعه می‌شود و زنانی که بچه‌های زیادی دارند و سرپرست ندارند به‌گدایی مشغول می‌شوند و بعضی مردان این را فرصتی برای زنا می‌بینند.

دوم اینکه، یکی از دردناک‌ترین اموری که وهابیت به نیجریه آورده، محدودیت آموزش است که در نتیجه آن، وقتی یک زن مسلمان می‌خواهد زایمان کند، دکتر متخصص در این زمینه یا مرد است یا زنان مسیحی و این امر باعث بروز مشکلاتی برای زنان و حتی از دست رفتن جان‌شان شده است؛ زیرا شوهرانشان متخصص مرد را قبول نمی‌کنند.

سوم اینکه در نیجریه، تعداد زیادی بچه‌های بی‌سرپرست است که برای به دست آوردن غذا، دست به هرکاری می‌زنند و این باعث شده که بیشتر دزدان و کلاهبرداران، از بچه‌های مسلمانی باشند که پدر و مادرشان یا از هم جدا شده و یا فوت کرده‌اند. برای همین، بیشتر افراد تروریست بوکوحرام، از بچه‌های مسلمان فقیر هستند. قبل از آمدن وهابیت به نیجریه، این مشکلات در میان مسلمانان نبود.

#### ۳-۴. جایگاه اقتصادی

در اسلام، زن می‌تواند مانند مرد کار کند و اسلام مالکیت زن را انکار نکرده است. حضرت خدیجه رضی الله عنها تاجر بودند و اسلام با آن مخالفت ندارد، حتی در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: «دین من با دو چیز برپا و پایدار شد. دارایی خدیجه رضی الله عنها و شمشیر علی رضی الله عنه. (عاملی، ۱۴۰۳، ۱۴/۲؛ حائری مازندرانی، ۱۳۸۵، ۲۰/۲) از نظر وهابیت، زن فقط برای خانه‌داری و فرزندآوری خلق شده است. بنابراین، هشتاد درصد کارمندان و تاجران زن در نیجریه، مسیحی‌اند. مردان وهابی گمان می‌کنند که وقتی یک زن پولدار باشد، به شوهرش احترام نمی‌گذارد. بنابراین، زنان پول‌هایشان را در اختیار شوهرانشان می‌گذارند. در شمال نیجریه که بیشترین تعداد مسلمانان سکونت دارند، بسیاری از زنان، در خانه‌هایشان کار می‌کنند، در حالی که اسلام به زن، حق کسب و کار داده است. در نیجریه دیده می‌شود که زنان، بیرون از خانه در جاهایی مانند بازارها، سازمان‌های دولتی و غیردولتی و غیره، با هدف بهبود وضع معیشتی خود مشغول به کار هستند. عدم اشتغال زنان مسلمان در سازمان‌ها، حتی برای مسیحیانی که از احکام و قوانین اسلام اطلاع ندارند، شگفت‌انگیز و مسئله‌ساز است، که مگر اسلام به زن حق کسب و کار نداده است؟ (www. questia. com)

#### ۴-۴. جایگاه سیاسی

یکی از مهمترین ابعاد در زندگی انسان، سیاست است؛ زیرا به واسطه آن، می‌توان در امور عمومی

مردم برای بهبود معیشت، ایجاد امنیت، ساختن اجتماع شایسته و فراهم کردن خدماتی برای هم نوعان خود فعالیت کرد. نظام دولتی و حکومتی نیجریه، جمهوری فدرالی است. نیجریه، هر چهار سال انتخاباتی برای انتخاب مسئولین، نمایندگان و مقام های سیاسی، برگزار می کند که زنان هم در این عرصه مشارکت دارند. کشور و دولت هم این حق را بین زن و مرد مساوی می داند. متأسفانه حضور زنان مسلمان در این عرصه بسیار کم است. این در حالی است که زنان مسیحی، حضور پررنگی دارند. وهابیت، جایگاه سیاسی زن را پایمال کرده است؛ زیرا زنان، برای مشارکت در امور سیاسی تشویق نمی شوند و زنانی که وارد امور سیاسی شوند، فاسق می داند. قبل از ظهور وهابیت، زنان از جایگاه سیاسی خاصی برخوردار بودند. یکی از بانوانی که خدمات فراوانی به کشور نیجریه کرد، خانم خدیجه، معروف به لادکوالی (۱۹۲۵ م - ۱۹۸۳ م) است. ایشان کوزه گر ماهری بود که به فقیران کمک کرده و مشکلاتشان را برطرف می کرد. برای همین، این خدمات دولت نیجریه، جایگاه خاصی برای وی قائل شد و او را سفیر زنان در سه کشور انگلستان، آلمان و فرانسه قرارداد. دولت، به دلیل خدماتی که انجام داده بود، تصویر وی را در واحد پول نیجریه قرار داد.

### ۵. دیدگاه اسلام در خصوص شیطان و شرب بودن زن

یکی از دلایل تحقیر کردن زن توسط وهابی ها، از فهم غلط نصوص و اقوال بزرگان دین است. برای نمونه، امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: «تمامی وجود زن (زنان تربیت یافته)، شر است و بدترین چیزی که در اوست، این است که از وجودش چاره ای نیست. (سیدرضی، ۱۳۲۹، ص ۶۴۵، حکمت ۲۳۸) شافعی هم در جایی بیان کرده بود: «زنان، شیطان هایی هستند که برای ما مردان خلق شده اند. خدایا ما از شیطان به تو پناه می بریم» (السیکی، بی تا، ۱/۲۹۸). منظور امام علی علیه السلام در این کلام، تمام زنان نیستند؛ زیرا زنان برجسته در اسلام، بسیار بوده اند که پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام به آنها احترام خاصی می گذاشت. حدیث معروف رسول اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود: «سه چیز از دنیای شما محبوب من است. بوی خوش و زنان و نور چشمانم نماز» (نسایی، بی تا، ۳۹۳۹/۶۰۹)، شاهد و گویای این مطلب است. افزون بر آن قرآن مجید هم بسیاری از زنان را مدح کرده است (ر.ک.، نحل: ۹۷). در حدیث معروفی، در تفسیر مجمع البیان آمده است:

هنگامی اسماء بنت عمیس با همسرش جعفر بن ابی طالب از حبشه آمد بر زنان پیامبر وارد شد و از آنها سوال کرد آیا چیزی از قرآن درباره اهمیت زنان آمده است؟ آنها گفتند: نه. اسماء بی درنگ نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد، عرض کرد ای رسول خدا! زنان در ناامیدی

و خسارتند. فرمود چرا؟ عرض کرد؛ زیرا درباره آنها خوبی‌هایی که درباره مردان گفته می‌شود، ذکر نمی‌گردد! (طبرسی، ۱۴۲۷، ۸/۱۲۰)

برای رفع اشتباه او، آیه ۳۵ سوره احزاب نازل شد.

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا.

مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان و مردان و زنان عبادت‌پیشه و مردان و زنان راستگو و مردان و زنان شکیبیا و مردان و زنان فروتن و مردان و زنان صدقه‌دهنده و مردان و زنان روزه‌دار و مردان و زنان پاکدامن و مردان و زنانی که خدا را فراوان یاد می‌کنند، خدا برای [همه] آنان آمرزشی و پاداشی بزرگ فراهم ساخته است.

قرآن نیز بعضی از زنان را به عنوان الگو و اسوه حتی برای مردان قرار داده است. (ر. ک.، تحریم: ۱۲-۱۱) در اخبار اسلامی روایاتی که دوست داشتن زنان را نشانه ایمان و از اخلاق انبیاء می‌شمرد، فراوان است. در حدیثی از رسول خدا ﷺ آمده است: «هر قدر بندگان خدا در ایمانشان افزوده شود، محبت زنان در قلوب آنها فزونی می‌یابد» (ر. ک.، مجلسی، ۱۴۰۳). در حدیثی دیگر از امام صادق علیه السلام آمده است: «یکی از اخلاق برجسته پیامبران، محبت زنان است» (شیخ طوسی، ۱۳۹۵، ۷/۷۰۳). خدماتی که اسلام به زنان کرده و آنان را از وضع جاهلیت درآورده و شخصیت والای انسانی به آنها بخشیده بر همه روشن است. در عین حال، گروهی از زنان مورد نکوهش‌اند و گروهی دیگر مورد ستایش.

از آنجا که از وجود زن، برای گمراه کردن مردان در طول تاریخ استفاده ابزاری فراوانی شده، روایات اسلامی و نهج‌البلاغه نسبت به این موضوع هشدار داده‌اند. این نکته نیز قابل توجه است که برخی از عبارات نهج‌البلاغه که در نکوهش زنان است، بعد از داستان جنگ جمل که سردمدار آن یکی از همسران پیامبر بود، وارد شده است. جنگی که هفده هزار نفر از مسلمانان را به کشتن داد و شکاف عظیمی در صفوف مسلمین ایجاد کرد. دلیل روشن این مطلب خطبه هشتاد نهج‌البلاغه است که در نکوهش زنان ایراد فرموده است. بنابراین، هدف آن حضرت، زنانی از آن قبیل بوده است. کلام شافعی هم از این دسته خارج نمی‌شود؛ چون می‌توان گفت که شافعی، همه زنان را مورد هجوم قرار نداده است؛ زیرا در قرآن، آیاتی است که زنان را ستایش می‌کند و همچنین روایاتی در مصادر اهل تسنن و شیعه بسیار است که زنان را می‌ستاید، پس زنان مورد کلام شافعی، زنان تربیت نیافته و بد اخلاق هستند، اما زنان نیکوکار و با شخصیت از کلام شافعی

که گفت: «زنان شیطان‌هایی هستند که برای ما مردان خلق شده‌اند، خدایا ما از شیطان به تو پناه می‌بریم» (قرطبی، بی تا، ۶۸/۷) خارج هستند.

## ۶. تعدد زوجات

یکی از مواردی که دخالت و هابیت در آن نمود جدی دارد، تعداد زوجات است خداوند در سوره نساء آیه سوم فرموده است:

وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَنِّي وَثَلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا.

و اگر در اجرای عدالت میان دختران یتیم بیمناکید، هر چه از زنان [دیگر] که شما را پسند افتاد دو دو، سه سه، چهار چهار به زنی گیرید، پس اگر بیم دارید که به عدالت رفتار نکنید، به یک [زن آزاد] یا به آنچه [از کنیزان] مالک شده‌اید [اکتفا کنید] [این خودداری] نزدیکتر است تا به ستم گرایید [و بیپرده عیال وار گردید]. (نساء: ۳)

قرآن کریم، گرفتن چند همسر را مشروط به رعایت عدالت، بین همسران قرار داده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۶۷/۴-۱۶۸) و با جمله فان خفتم الا تعدلوا فواحده، آن را تعدیل کرده و در محور اعتدال و میانه روی در زندگی قرار داده است، چنانچه بیم آن رود که نتوانند به این شرط عمل کنند، تنها باید به یک همسر اکتفا کنند (همدانی، ۱۴۰۴، ۳/۳۳۲). بدون تردید، عدالت در محبت‌های قلبی، خارج از قدرت انسان است. چه کسی می‌تواند محبت خود را که عواملش در بیرون وجود اوست از هر نظر کنترل کند؟ برای همین، رعایت این عدالت را خداوند واجب نشمرده و در جایی دیگر می‌فرماید:

شما هر قدر کوشش کنید، نمی‌توانید در میان همسران خود از نظر تمایلات قلبی عدالت و مساوات برقرار کنید؛ زیرا محرک و انگیزه‌های قلبی، مانند زیبایی، کمالات دینی و شخصیتی یک زن، همگی بیرونی و خارج از اختیار مرد است و چیزی که خارج از اختیار انسان باشد، مورد تکلیف واقع نمی‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳/۲۵۵)

محبت‌های درونی، مادامی که موجب ترجیح بعضی از همسران بر بعضی دیگر از جنبه‌های عملی نشود، ممنوع نیست. آنچه مرد موظف به آن است، رعایت عدالت در جنبه‌های عملی و خارجی است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳/۲۵۵) «فلا تمیلوا کل المیل فتذروها کالمعلقة؛ تمام تمایل قلبی خود را متوجه یک نفر از آنان نسازید که دیگری به صورت بلا تکلیف درآید» (ر. ک.، نساء: ۱۲۹)؛ یعنی اکنون نمی‌توانید مساوات کامل در محبت میان همسران خود رعایت کنید. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳/۲۵۶)

با توجه به مطالبی که ذکر شد، مقصود از این عدالت که شرط گرفتن چهار زن است، دادن نفقه به هریک از همسران در حد شأن آنها، و رعایت مساوات در مسائل زناشویی و هم خوابگی (خویی)، ۱۴۱۶، ۲۵۳/۳؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ۱/۲۴۶) و رفتار نیکو و گشاده رویی به همه همسران، بدون تفاوت گذاشتن بین آنها، نه اینکه نسبت به برخی، ابراز احساسات و محبت کند و نسبت به برخی دیگر، بی اعتنا یا کم توجه باشد (بحرانی، ۱۴۰۵؛ النجفی، ۱۴۰۴، ۳۱/۱۸۲). از روایات اسلامی برمی آید که نخستین کسی که این ایراد را مطرح کرد، ابن ابی العوجا از مادیین معاصر امام صادق علیه السلام بود که این ایراد را با هشام ابن حکم، دانشمند مجاهد اسلامی در میان گذاشت. او که جوابی برای این سؤال نیافته بود، از شهر خود کوفه، به سوی مدینه، برای یافتن پاسخ همین سؤال حرکت کرد و به خدمت امام صادق علیه السلام رسید. امام از آمدن او در غیر وقت حج و عمره به مدینه تعجب کرد. وی عرض کرد که چنین سؤالی پیش آمده که تعدد زوجات، مشروط به عدالت است و عدالت هم ممکن نیست. بنابراین، تعدد زوجات در اسلام ممنوع است. امام صادق علیه السلام می فرماید:

منظور از عدالت در آیه سوم سوره نساء، عدالت در نفقه، رعایت حقوق همسری، طرز رفتار و کردار است، اما منظور از عدالت در آیه بیست و نه سوره نساء که امری محال شمرده شده، تمایلات قلبی است. بنابراین، تعدد زوجات، با حفظ شرایط اسلامی نه ممنوع است و نه محال، هنگامی که هشام از سفر بازگشت، این پاسخ را در اختیار ابن ابی العوجا گذاشت. (بحرانی، ۱۴۲۷، ۲/۱۶۲-۱۶۳)

در فتوای وهابی، معنای عدالت بین زنان این است که هر زنی را به اندازه وضعیت خانواده اش، نگاه دارید. ([www.bnbaz.fatawa.com](http://www.bnbaz.fatawa.com)) یعنی اگر مردی دو زن داشته باشد که یکی از آنها از خانواده پولدار و دیگری از خانواده فقیر باشد، اگر نمی تواند احتیاجات هر دوی آنها را برآورده کند، می تواند براساس وضعیت خانواده هر کدامشان، عدالت کند. در مذهب تشیع هم، بحث شأنیت وجود دارد، یعنی رعایت شأنیت در نفقه، حفظ مساوات در نفقه واجب نیست، اما در مسائل زناشویی و هم خوابگی، باید مساوات حفظ و رعایت شود. (خویی، ۱۴۱۶، ۳/۲۵۳؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ۱/۲۴۶) مشکل وهابیت در مسئله عدالت بین زنان این است که در همه امور بین همسرانشان، شأنیت را رعایت می کنند در حالی که فقط شأنیت باید در نفقه حفظ شود. عدم رعایت عدالت بین زنان در مسائل زناشویی و هم خوابگی، انسان را دچار عذاب الهی می کند. در روایتی از طرف اهل سنت آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

من کانت له امرأتان یمیل مع احدهما علی الأخری، جاء یوم القیامه و أحد شقیه ساقط؛ کسی که دو زن داشته باشد و بین آنها عدالت برقرار نکند، روز قیامت در حالی در

پیشگاه خداوند حاضر می‌شود که یکی از پهلوهایش ساقط (افتاده) است. (ابن ماجه، بی تا، ص ۲۸۲، ح ۱۹۶۹)

در این روایت، هیچ اشاره‌ای به حفظ شأنیت در نفقه، زناشویی و هم‌خوابگی نیست. در حالی که ابن باز فتوا کرده است که حفظ شأنیت در نفقه و غیره لازم نیست. (www.bnba.fatawa.com) این فتوا برای مردان مسلمان نیجریه بسیار خوشایند و برای زنان، امری ناخوشایند و ظلم است؛ زیرا کسی که می‌خواهد با بیش از یک زن ازدواج کند، این فتوا را دلیل بر پیروی از هوای نفس خود قرار می‌دهد. بسیاری از خانم‌ها با مراجعه به جادوگران، می‌خواهند جلوی همسران خود را برای ازدواج دیگر بگیرند. برای مثال، پیش جادوگران می‌روند و آنها چیزهایی مانند طلسمات که از اعضای انسان مانند مو، ناخن و غیره و اعضای حیوانات نجس یا مرده مثل موی سگ، گوشت سگ و خوک و غیره به آنها می‌دهند تا به شوهرانشان بخوراند تا زیر کنترلشان باشند.

## ۷. نتیجه‌گیری

زمانی که اسلام در نیجریه ظهور کرد، فرهنگ احترام را تأیید کرد، اما وهابیون با آنکه خود را بهترین مسلمانان و اهل تسنن می‌پندارند، این فرهنگ را تغییر دادند. اسلام، به دختر حق انتخاب داده است. در روایات آمده که هنگامی که حضرت علی علیه السلام برای خواستگاری حضرت زهرا علیها السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد، پیامبر صلی الله علیه و آله به ایشان فرمود: «ای علی، قبل از شما چند نفر آمدند، اما فاطمه علیها السلام بی میلی کرد، پس صبر کن تا من نزد او بروم و برگردم». (طوسی، ۱۴۱۴، ۴۴/۳۶) وهابیت، این حق را از دختر گرفته و عقیده دارد که پدر، به هر کس که دلش بخواهد، می‌تواند دختر بدهد.

اسلام، زن را مخلوقی با ارزش شناخته است. زن و مرد در همه جنبه‌ها مساوی هستند. این امر، در آیه هفتاد و یک سوره توبه و آیه سی و پنج سوره احزاب و آیات دیگر به روشنی بیان شده است. وهابیت، این ارزش را نادیده گرفته و زن را موجودی فقط برای فرزندآوری و تولید نسل می‌داند و از او استفاده ابزاری کرده است. بر اساس همین اصل، بسیاری از دختران و زنان، به عنوان غیمت جنگی توسط گروه‌های افراطی مانند بوکوحرام ربوده شده‌اند. در اسلام زن مثل مرد حق مالکیت دارد، حضرت خدیجه علیها السلام شاهد بر این است؛ زیرا ایشان تاجر بودند و اسلام با آن مخالفت نکرده است، حتی در روایت آمده که پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: «من با دو چیز برپا و پایدار شدم؛ دارایی خدیجه علیها السلام و شمشیر علی علیه السلام»، اما از نظر وهابیت، اگر زن پولدار باشد، به شوهرش احترام نمی‌گذارد. بنابراین، زنان پولهایشان را باید در اختیار شوهرانشان بگذارند. در شمال نیجریه، بیشتر زنان در خانه‌هایشان کار می‌کنند، در حالی که اسلام، به زن حق اشتغال (اگر

شرایط حفظ شود) داده، تا بتواند وضع معیشتی خود را بهبود بخشد. عدم اشتغال زنان مسلمان در سازمان‌ها، حتی برای مسیحیانی که از اسلام اطلاع دارند، شگفت‌انگیز بود.

اسلام، زن را به یادگیری علوم اسلامی و علوم انسانی تشویق کرده است. این علوم به شکل مختلف و مطلق است، اما وهابیت، یادگیری زنان را محدود کرده است؛ زیرا نزد آنها، زن فقط می‌تواند درس‌ها را تا دبیرستان بخواند. این امر به دلیل اختلاط زن و مرد در مراحل بالای یادگیری است. آنها بر آیاتی مانند «لاتقربوا الزنا انه کان فاحشه و ساء سبیلا؛ و نزدیک زنا نشوید که کاری بسیار زشت و بد راهی است» (اسراء: ۳۲) اسلام، تعدد زوجات را با رعایت عدالت مشروط کرد. اسلام، عدالت در نفقه را لازم نکرده و می‌توان در آن رعایت شأنیت کرد، اما وهابیت، در مسئله عدالت بین زنان در همه امور بین همسرانشان شأنیت را رعایت می‌کند در حالی که فقط باید در نفقه باشد. در اسلام، زنان حق مشارکت در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی مانند رأی دادن، اشتغال و تحصیل را دارند، اما با ورود وهابیت به نیجریه، این حق از زنان گرفته شد.

### فهرست منابع

- \* القرآن الکریم
- \* نهج البلاغه
۱. اودیلاو، عبدالفتاح (۱۹۹۵). کشور ما دین ما. مملکت متحده انگلستان: دیلاب بین المللی.
  ۲. البحرانی، السید الهاشم (۱۴۲۷). البرهان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الأعلمی.
  ۳. البحرانی، یوسف بن احمد المحدث (۱۴۰۵). الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
  ۴. البخاری، اسماعیل بن ابراهیم (بی تا). صحیح البخاری. بیروت: دارالفکر.
  ۵. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۵). نهج الفصاحه. اصفهان: انتشارات خاتم النبیا.
  ۶. الحائری المازندرانی، الشیخ محمد مهدی (۱۳۸۵). شجرة طوبی. العراق: مكتبة الحیدریه.
  ۷. الخویی، السید ابوالقاسم (۱۴۱۶). صراط النجاسة. قم: مکتب المنتخب.
  ۸. الخویی، السید ابوالقاسم (۱۴۱۸). موسوعة الامام الخویی. قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی.
  ۹. ساروویوا، کن (۱۹۸۲). زنان ما باعث افتخار ما هستند، نیجریه: چاپ نومنس لاند.
  ۱۰. السبکی، تاج‌الدین ابونصر عبدالوهاب بن علی (بی تا). طبقات الشافعیه. قاهره: دار احیاء الکتب العربیه.
  ۱۱. سیدالرضی، ابوالحسن محمد بن الحسین بن موسی (۱۳۲۹). نهج الفصاحه. قم: انوار الهدی.
  ۱۲. صوفی، شیخ ابوبکر (۱۹۹۵). وهابی منحرف، نیجریه: بحرالنندی.
  ۱۳. الطباطبایی، السید محمد حسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
  ۱۴. الطبرسی، الشیخ الفضل بن الحسن (۱۴۲۷). تفسیر مجمع البیان. بیروت: دارالمرتضی.
  ۱۵. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). مجمع البحرین. تهران: مکتبه المرتضویه.
  ۱۶. الطوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵). تهذیب الاحکام. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
  ۱۷. الطوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴). الأمالی. قم: مؤسسه البعثه. الطبعة الأولى.
  ۱۸. العاملی، السید محسن الامین (۱۴۰۳). اعیان الشیعه. بیروت: دارالتعارف.
  ۱۹. قرطبی (بی تا). تفسیر قرطبی. القاهرة: دار الشعب.
  ۲۰. القزوی، ابن ماجه، الربیع، محمد بن یزید (بی تا). سنن ابن ماجه. ریاض: طبعة وزارة السنون الاسلامیه والوقف و



الدعوة و الارشاد.

۲۱. الکنوی، محمد حسن (۱۹۷۴). کتاب الدعوة فی نیجریا. نیجریه: اتلس.
۲۲. المجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۳. محمد منصور، آدم (۱۹۹۱). همسایه در اسلام نیجریه: کانو بحر الندی.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷). استفائات جدید. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).
۲۶. النجفی، محمد بن حسن (۱۴۰۴). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، الطبعة السابعة.
۲۷. نسایی، احمد بن شعيب (بی تا). سنن نسایی. ریاض: مکتبه المعارف.
۲۸. النیشابوری، مسلم بن الحجاج (بی تا). صحیح مسلم. بیروت: دارالفکر.
۲۹. همدانی، سید محمد حسین (۱۴۰۴). انوار درخشان. تهران. کتاب فروشی لطفی.
۳۰. پایگاه های اطلاع رسانی

31. www.tebyan.net
32. www.bnbaz.islamicfatawa.com
33. www.vahabiat.parsman.ir
34. www.questia.com
35. www.14khorshid.ir
36. www.bnbaz.fatawa.com



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی